

روایتی از تکرار یک برنامه «شکست خورده»

صعود خلبان از نردبان لرزان احمدی نژاد



بى برنامه، آشفته، عامیانه و فاقد پشتوانه کارشناسی، شاید این چند کلمه توصیف مناسبی برای عملکرد و خروجی مجلسی باشد که صاحب منصبان فعلی آن، معتقدند پرکارترین و فعال ترین مجلس پس از انقلاب را شکل داده اند اما واقعیت این است که غیر رقابتی ترین و کم استقبالی ترین انتخابات مجلس در سال های پس از ۵۷، زمینه ساز تشکیل مجلسی شده که سخنرانان آن، حمله به دولت و رئیس جمهور را با هم رقابت می کنند و طراحان طرح هایش، شباهت به برنامه های احمدی نژاد را.

انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، همزمان با آغاز شیوع کرونا و در غیاب بخش عمده ای از فعالان سیاسی که نتوانسته بودند از تیغ نظارت شورای نگهبان، جان سالم به در ببرند، به فاصله نزدیک به دو ماه از آغازی های دی ماه برگزار شد. مشکلات معیشتی مردم و دلسردی آنها از عملکرد جریان های سیاسی که در شعارهای اتفاقات دی ماه نیز به کرات شنیده می شد، همراه با تنگ نظری های دامنه دار شورای نگهبان شد تا این بار، انتخاب میان اصولگرا یا اصلاح طلب، جای خود را به انتخاب میان احمدی نژادی یا قالیبافی دهد.

حضور پر تعداد یاران دیروز احمدی نژاد که این روزها سعی دارند فاصله اجتماعی-سیاسی خود را با لیدر سابق خود حفظ کنند، از همان ابتدا خبر از شکل گیری کانون جدیدی علیه دولت روحانی می داد. این حضور به قدری پررنگ بود که حتی برخی در گمانه زنی های خود، شانس اندکی برای کسب کرسی ریاست مجلس توسط سردار قالیباف می دادند اما نهایتاً رایزنی های متعدد، باعث شد تا ریاست مجلس به قالیباف سپرده شود تا عطش وی برای کسب ریاست یکی از قوای سه گانه فروکش کند و ریاست کمیسیون های تخصصی مجلس و نیز بازوهای اصلی آن یعنی مرکز پژوهش ها و دیوان محاسبات، در اختیار یاران احمدی نژاد از جمله بذریاش، نیکزاد، حاجی بابایی، زاکانی، زاهدی، مصری و... قرار گیرد تا بدین توان، قوازمیان این دو طیف، حفظ شود.

گذشت چندماه از فعالیت مجلس و مروری بر مهمترین طرح های این مجلس، نشان می دهد که همیت ترکیب، سبب شده احمدی نژاد و احمدی نژادی ها، راهبران و طراحان اصلی سیاست های اتخاذ شده از سوی مجلس باشند و سردار دکتر قالیباف، بهره چندانی از مجلس، جز ریاست آن را نداشته باشد.

فرش قرمز زیر پای نظامیان و دیوار کشی در برابر احزاب

بی اعتنائی و مخالف خوانی احمدی نژاد با احزاب و در نقطه مقابل، توجه به نظامیان و سپردن امور اجرایی به آنها، موضوعی است که در هشت سال فعالیت دولت های نهم و دهم، به عینه مشاهده شد. در همین زمینه «بهمن

شریف زاده» روحانی نزدیک به احمدی نژاد در گفت و گویی که سال ها قبل با یلنا داشت، گفت: «تا آنجا که من احمدی نژاد را می شناسم، او اساساً با تشکیل حزب و تشکل برای ایده هایش مخالف است... هر کسی با احمدی نژاد در این باره مشورت کند، پاسخی جز نه نخواهد شنید. پاسخ احمدی نژاد به حزب، پاسخی منفی است». گواه دیگر این موضوع، عملکرد دوره هشت ساله ریاست جمهوری احمدی نژاد (سال های ۹۲-۸۴) است که طی آن آمار در یافت پروانه فعالیت انجمن ها و نهادهای مردم نهاد نسبت به دوره های گذشته به صورت قابل توجهی کاهش یافت و پروانه تعدادی از احزاب و کانون های مردمی که در دوره های پیشین اجازه فعالیت داشتند، باطل شد یا دیگر تمدید نشد.

در باره علاقه احمدی نژاد به بهره گیری از نظامیان در امور اجرایی نیز به نظامیانی اشاره کرد که طی هشت سال ریاست جمهوری وی، قیای وزارت یا معاونت و زیری پوشیدند؛ از محصولی و فتاح گرفته تا رستم قاسمی و افشار و ذوالقدر. روزنامه جمهوری اسلامی در مطلبی با عنوان «مگر نظامی ها در دولت احمدی نژاد موفق بودند؟» می نویسد: «در دولت های نهم و دهم تعداد زیادی از نظامیان وارد دولت شدند و در رده های مختلف اجرایی مسئولیت هایی به آنها داده شد ولی نتوانستند از عهده وظایف محوله بر آیند کماینگه در مسئولیت های دیگر نیز توفیقی به دست نیاوردند».

نگاهی به طرح جنجالی این روزهای مجلس نشان می دهد که این طرح، دقیقاً منطبق با آرا و افکار احمدی نژاد طراحی شده، چرا که در این طرح، نظامیان برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری نیاز به استعفا ندارند اما حضور دبیران کل احزاب در انتخابات، ممنوع اعلام شده است.

حل مشکلات اقتصادی و معیشتی با باران پر دازی

ایده پرداخت مستقیم یارانه، نخستین بار توسط مهدی کروبی، کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری در سال ۸۴ مطرح شد. هر چند کروبی در دور اول انتخابات سوم شد و مجوز حضور در دور دوم این انتخابات را نیافت اما برنده نهایی انتخابات یعنی احمدی نژاد، این طرح را مصادره کرد و در سال ۸۹، آن را اجرایی کرد؛ طرحی که در همان زمان، مخالف های بسیاری از کارشناسان و صاحب نظران اقتصادی را به همراه داشت اما با فشار دولت و مجلس همسوا آن، نهایتاً رنگ قانون به خود گرفت.

اجرای ده ساله این طرح، عملاً نشان داده که بر خلاف ادعای طراحان آن، نه تنها گریه از مشکلات مردم باز نکرده، بلکه خود گره های بیشتری بر کار اقتصاد نیمه جان ایران انداخت. در سال ۹۲، این امید می رفت که با روی کار آمدن دولت روحانی و حمایت مردم از وی و ایجاد امید در دل جامعه، این طرح، اصلاح و ترمیم شود اما روحانی نه تنها زیر بار حذف یارانه ها نرفت، بلکه

گذشت چندماه از فعالیت مجلس یازدهم و مروری بر مهمترین طرح های آن، نشان می دهد که احمدی نژادی ها، راهبران و طراحان اصلی سیاست های اتخاذ شده از سوی مجلس هستند

در سال گذشته و با گران کردن قیمت بنزین و اعطای کمک معیشتی ناشی از بالا رفتن قیمت بنزین، اعانه پردازی در ایران را ابعاد تازه ای داد. با شروع کار مجلس یازدهم، نگاه کوتاه بینانه حل مشکلات از راه پرداخت یارانه که جزو میراث احمدی نژاد به حساب می آید، جان دوباره ای گرفت و این بار مجلس، تلاش کرد تا با برداشت از منابع مالی تأمین اجتماعی که دولت مکلف به پرداخت آن شده بود، کمک هزینه ۶۰ تا ۱۲۰ هزار تومانی را به مردم اعطا کند که نهایتاً با طرح دولت برای کمک معیشتی یکپارچه شد و اجرای آن از ماه قبل کلید خورد.

شاید تندترین و کارشناسی ترین انتقاد به این برنامه های صدقه ای را «فرشاد مومنی» عضو هیأت علمی دانشگاه علامه داشته است. وی درباره تبعات طرح های این چنینی می گوید: «تمام کسانی که در دنیا تحقیقات جدی روی رکود تورمی انجام داده اند، می گویند در چنین شرایطی تنها راه نجات اقتصاد، تقویت تولید است... با کمال تأسف، رویکردی که در دولت قبل در دستور کار قرار گرفت و دولت جدید هم هنوز دارد همان مسیر را ادامه می دهد، آن است که به جای این باز آرای، ساختار نهادی را دست نخورده باقی گذاشته و می خواهد از طریق پرداخت اعانه به فقرا، مسأله بحران تقاضای کل را حل و فصل کند».

مومنی همچنین درباره تبعات اجرای چنین طرح هایی که با هدف کمک به فقرا طراحی می شود، گفت: «در بهار سال ۹۱، وزیر بهداشت و درمان مکرر در گزارش های رسمی و غیر رسمی و سخنرانی های عمومی گفته که تعداد ایرانیانی که هر ساله از ناحیه هزینه های کم رشد کردن در به زیر خط می روند در سال ۹۰ یعنی سالی که شوک درمانی در ایران اجرا شده، به ۲۵ درصد رسیده یعنی چیزی حدود ۱۵ میلیون نفر به تعداد کسانی که فقط از ناحیه هزینه های کم رشد کردن در این سال ها به زیر خط فقر افتادند، اضافه شده است. در سبد هزینه خانوار که بر اساس آن نرخ تورم اعلام می شود، شاگرد دوم از نظر پرسرعت تر بودن در واکنش نسبت به تغییرات قیمتی، شاخص هزینه های تفریح و تحصیل است. می توان این مسأله را از کانال موارد مردود شدن دانش آموزان و ترک تحصیلی که اتفاق می افتد، ردگیری کرد. شوک های قیمتی به اعتبار گزارش شاخص هزینه های مصرفی خانوار بالاترین سطوح خسارت را به بهداشت و درمان مردم و تفریح و تحصیل آنها می زند یعنی آن چیزهایی که ارکان شکل گیری سرمایه انسانی در کشور محسوب می شود».

بی توجهی به بحران صندوق های باننشستگی و بحران تر کردن اوضاع

شاخص جهانی «نسبت پشتیبانی»، نشان می دهد که چه تعداد افراد، حق بیمه پرداخت می کنند و چه تعداد افراد از قبل این پرداخت، از مزایای پیری، باننشستگی و از کار افتادگی

نفر به آمار افراد باننشسته در کشور اضافه شود؛ باننشستگان پیش از موعدی که علاوه بر اینکه حق بیمه کمتری می پردازند، سال های بیشتری نیز از منابع صندوق ها بهره مند می شوند.

در این بین، اواخر آبان ماه، ۳۹ نماینده مجلس طرحی با عنوان «باننشستگی پیش از موعد» را تقدیم هیأت رئیسه مجلس کردند که حذف شرط سنی از جمله مختصات مهم این طرح است و بر اساس آن مردان با ۲۵ و زنان با ۲۰ سال سابقه می توانند باننشسته شوند و حقوق ۳۰ روزه دریافت کنند.

«محمد حسن زدا» سرپرست سابق سازمان تأمین اجتماعی در این باره می گوید: حذف شرط سنی و کاهش سابقه بیمه پردازی می تواند موجب کاهش شدید ضریب پشتیبانی و نهایتاً عدم امکان ارائه خدمات به جامعه چند ده میلیونی سازمان تأمین اجتماعی شود. تجربه نشان می دهد این گونه طرح ها و لوایح نه تنها باعث حل مشکل اجتماعی نشده اند بلکه فقط باعث کاهش ضریب پشتیبانی سازمان به زیر عدد ۵ شده اند. وی تأکید می کند که باید منابع پایدار تأمین مالی برای این طرح در نظر گرفته شود که البته با توجه به وضعیت مالی دولت به نظر می رسد یک طرح از پیش شکست خورده باشد. زدا با اشاره به اینکه حل مشکلات جامعه از جیب کارگران و کارفرمایان، صحیح نیست، عنوان می کند: این طرح و طرح های مشابه راه حل مناسبی برای اشتغال جوانان نیست ولی برای ایجاد بحران در سازمان تأمین اجتماعی، مناسب است.

تلاش برای تنش زایی بیشتر در روابط خارجی

وضعیت سیاست خارجی ایران و روابط حاکم بین ایران و جامعه بین الملل در سال های ۸۴ تا ۹۲ بر کرسی پوشیده نیست؛ سیاست هایی که نتیجه عینی آن، وضع تحریم های سنگین علیه ایران از سوی شورای امنیت سازمان ملل و قرار گرفتن ایران ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد بود؛ موضوعی که تا زمان انعقاد برجام به قوت خود باقی بود و سبب ساز مشکلات بزرگی برای اقتصاد ایران، از جمله ظهور پدیده جدیدی به نام کاسبان تحریم شد که بخش هایی از اقدامات آنها، در پرونده های مثل پرونده بایک زنجانی و تحقیق و تفحص مجلس هشتم از سازمان تأمین اجتماعی تصویر شده است.

هر چند حضور ترامپ در مقام ریاست جمهوری ایالات متحده، این توافق را با مشکلات متعددی روبه رو کرد و آمریکا یک جانبه، تحریم های متعددی علیه ایران وضع کرد، اما برجام و سیاست خارجی روحانی، مانع از بازگشت دوباره ایران به جای سابق با اعمال مکانیزم ماشه یا همان اسنپ بک شد. در نقطه مقابل، مجلس با تصویب طرحی به نام «اقدام راهبردی برای لغو تحریم» که بر پایه آن اگر در نهایت تحریم ها در دو ماه لغو نشود، خروج

با گذشت حدود هفت سال از دوران استیلای اصولگرایان بر دولت، بار دیگر آنها سعی به تکرار همان ماجراجویی ها دارند که هدف اصلی آنها، زمین گیر کردن دولت مستقر و فتح پاستور در انتخابات سال آینده است

رفسنجانی و از سال ۱۳۷۰ اجرای می شد، اسفند سال ۸۴ توسط دولت احمدی نژاد باطل شد. با وجود گزارش های دولتی که نشان از صرفه جویی حداقل ۱۰۰ مگاواتی مصرف انرژی در ساعات پیک حاصل از این تغییر ساعت داشت، اما دولت احمدی نژاد این مصوبه را باطل کرد تا نهایتاً با تصویب قانونی در مجلس به سال ۱۳۸۶، دولت مجبور به اجرای این موضوع شد. حال پس از گذشت ۱۳ سال از آن مصوبه، ۲۹ نفر از نمایندگان مجلس یازدهم با تاسی از اقدام دولت نهم، طرحی را به امضا رسانده اند که طی آن، خواستار تغییر نکردن ساعت رسمی کشور به دلیل «آثار سوء تغییر ساعات بر سلامتی مردم ناشی از تغییر زمان خواب شهروندان و لزوم تطابق آن با زمان خورشید» شده اند. این عده در بیان سایر دلایل امضای این طرح آورده اند: «در کشور ما تفاوت اوقات شرعی و ساعت رسمی مشکلاتی ایجاد کرده بنابراین این طرح با هدف بازگشت ساعات رسمی به حالت قبل از تغییر آن تقدیم مجلس می شود».

روای پاستور از قدیم گفته اند تاریخ دو بار تکرار می شود؛ یک بار به حالت ترازوی و یک بار به صورت کمدی. طی سال های ۸۴ تا ۹۲، ترازوی توسعه در ایران رقم خورد. اقتصادی که طی سال های ۷۶ تا ۸۴، روند رو به رشدی تجربه می کرد، با سیاست های دولتمردان حاکم در زمان احمدی نژاد، عقب گرد تاریخی خود را آغاز کرد و چنین شد که شاخص رفاه که در کشور تا سال ۸۶، روند صعودی داشت، قامت خم کرد و در نقطه مقابل، شاخص فلاکت قد کشید. فضای باز سیاسی نیمه دوم دهه ۷۰ و نیمه نخست دهه ۸۰، جای خود را به انسداد سیاسی داد و ایرانی که طراح گفت و گوی تمدن ها بود، ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد قرار گرفت و به عنوان تهدیدی برای امنیت جهان معرفی شد.

حال با گذشت حدود هفت سال از آن دوران، بار دیگر کسانی سعی به تکرار همان ماجراجویی ها دارند که البته هدف اصلی آنها، زمین گیر کردن دولت مستقر در گام نخست و در مرحله بعدی فتح پاستور است.



این بار مقهور روحانی ای شد که وی را سرهنگ خطاب کرد و اهل بگیر و ببند. سال ۹۶ هم ایجاد دوقطبی ۴ درصدی و ۹۶ درصدی، دستاوردی برای خلبان سابق نداشت و هنوز سوت انتخابات کشیده نشده بود که وی مجبور به ترک میدان شد. این بار اما وی با رقیب دیروز خود به آشتی رسید تا ریاست مجلس را تجربه و آن را پله ای برای فتح پاستور کند. از این روست که طرح های مجلس، همان نسخه های احمدی نژاد است و اطرافیان قالیباف هم همان یاران حلقه بهار. باید خرداد ۱۴۰۰ کمتر از شش ماه باقی است. باید دید که قالیباف موفق به فتح پاستور با نردبان احمدی نژاد خواهد شد یا اینکه در میانه های راه، باز هم قالیقه را خواهد باخت.

جلوگیری از تغییر ساعت و نگرانی برای خواب مردم

سابقه مخالفت با تغییر ساعت رسمی کشور، به اولین سال از ریاست جمهوری احمدی نژاد بازمی گردد. طرح تغییر ساعت رسمی کشور که در زمان ریاست جمهوری مرحوم هاشمی